

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

بهرام رحمانی
۱۴ مارچ ۲۰۲۰

معرفی نویسنده ترکیه ای - بریتانیایی الیف شافاک (Elif Shafak)



«الیف شفق» با نام هنری «الیف شافاک» از نویسندگان جوان و ترک تباری است که تا به حال بیش از ۱۵ جلد کتاب نوشته که ۱۰ جلد آن ها رمان است. اخیراً دو رمان وی در ایران، ممنوع الانتشار شده است.

الیف شافاک یا الیف شفق (Elif Şafak)، برنده جایزه های مختلف و پرمخاطب ترین نویسنده زن ترکیه است. وی هم چنین یک فعال سیاسی، مقاله نویس از جمله در عرصه دفاع از حقوق زنان و یک روشنفکر متعهد است.

شافاک متولد ۲۵ اکتبر ۱۹۷۱ در استراسبورگ، فرانسه است. وی از دانشگاه فنی اورتا دو غوی آنکارا، لیسانس روابط بین الملل و فوق لیسانس مطالعات زنان و دکتری علوم سیاسی گرفت.

تاکنون، او برنده و نامزد ده ها جایزه شده و داور جوایز معتبر و بزرگی مانند «من بوکر»، «گلداسمیت» و بسیاری دیگر نیز بوده است.

وی فعال حقوق زنان، اقلیت ها و آزادی بیان است. او در مورد موضوعات و مسائل گوناگونی از جمله سیاست جهانی و فرهنگی، آینده اروپا، ترکیه و خاورمیانه، دموکراسی و جامعه گرایی نیز گاه مطالبی منتشر می کند. او دو بار سخنگوی جهانی «TED» و نیز عضو شورای برنامه جهانی برنامه «مجمع جهانی اقتصاد» در «داووس، سوئیس» و عضو موسسه «ECFR» (شورای اروپا در حوزه روابط خارجی) بوده است.

شافاک یکی از طرفداران برابری و آزادی زنان است. وث خود با دو مدل مختلف زنانگی، یعنی مادر مدرن، شاغل و تحصیل کرده و مادر بزرگ سنتی و مذهبی خود، بزرگ شده است. او همیشه درباره اقلیت ها و خرده فرهنگ ها، پسا استعمارگرایی، فمینیسم و به ویژه نقش زنان در جامعه می نویسد.

کتاب های او به ۴۸ زبان منتشر شده اند. او سخنران همایش های جهانی TED است و یکی از سخنرانی های او با عنوان «قدرت انقلابی تفکر متکثر» محبوبیت زیادی یافته است. او عضو «مجمع جهانی اقتصاد» در زمینه اقتصاد خلاق در سوئیس و هم چنین از پایه گذاران «اندیشکده مجمع اروپایی روابط خارجی» (ECFR) است. شافاک در نشریات بزرگ و معتبری از جمله «فاینشیال تایمز»، «گاردین»، «نیویورک تایمز» و «وال استریت ژورنال» همواره مطرح بوده است.

رمان جدید «الیف شافاک» که چندی پیش اعلام شد ترجمه آن در ایران مجوز ندارد، با وجود این که در سطح جهانی مورد استقبال قرار گرفته، برای دولت ترکیه دردسرساز شده است.

الیف شافاک، نویسنده‌ای سرشناس و مسلط به هر دو زبان انگلیسی و ترکی، مشکلی دشوار برای دولت رجب طیب اردو خان است. رمان های وی، به طرز چشم گیری هم در داخل و هم خارج از ترکیه طرفدار دارند. الیف در ستون خود در روزنامه گاردین، به مراتب بیش تر از هر مقام ترک با مخاطبین غربی صحبت می کند.

حمایت شجاعانه او از حقوق زنان، کودکان و اقلیت ها، همواره خشم و غضب دولت، ملی گرایان و فاشیست های را در کشور زادگاهش برمی انگیزد. در سال ۲۰۰۶، «حرامزاده استانبول»، دومین رمان وی، در فهرست بلند جایزه ادبیات داستانی «اورنج» جای گرفت اما از طرف دیگر از سوی دادگاه ترکیه به اهانت به ترک بودن متهم شد. در نهایت پرونده او بسته شد اما اوایل سال جاری، دادستان های ترک تحقیق درباره رمان های او را آغاز کردند. از جمله اتهام هایی که به او وارد شده «توصیف غیراخلاقی سوء استفاده جنسی» به چشم می خورد.

شافاک که در لندن زندگی می کند، این اقدام دولت ترکیه را طنز تلخی توصیف می کند. وی ماه می سال گذشته، به یک خبرنگار گفت: «ترکیه کشوری است که در آن موارد خشونت جنسی علیه زنان و کودکان به طور فزاینده ای به چشم می خورد. دادگاه های ترکیه برای مقابله با آن اقدامی نمی کنند و در عوض نویسندگان را تحت پیگرد قرار می دهند.»

در سال ۲۰۰۶ جنجالی ترین کتابش به نام «پدر و حرام زاده» (در نسخه ترکی که در نسخه انگلیسی به نام «حرام زاده استانبول» (The Bastard of Istanbul) شناخته می شود را نوشت. در این کتاب به دلیل اشاره به نسل کشی ارمنیان توسط ترک ها، از سوی دادگاه های ترکیه به جرم «اهانت به ترک ها و خیانت به جمهوری ترکیه» متهم شد. پرونده او در ژوئن ۲۰۰۶ بسته شد؛ اما در ژوئیه همان سال دوباره گشوده شد و وی با احتمال سه سال زندان رو به رو شد. مترجم و ناشر او هم با همین تعداد سال حبس رو به رو شدند. در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۶ به خاطر کمبود مدرک پرونده او از نو بسته شد.

کتاب بعدی او که در فارسی بیش تر به نام «ملت عشق» شناخته می شود، پس از ۳ سال از انتشار شیر سیاه، در سال ۲۰۱۰ منتشر شد. این کتاب در نسخه انگلیسی به نام «چهل قانون عشق» و در نسخه ترکی به نام «عشق» شناخته می شود. این شاهکار شافاک که نام او را در تمام کشورهای دنیا پرآوازه کرد، به عنوان محبوب ترین و پرفروش ترین کتاب در تاریخ ترکیه شناخته می شود.

شافاک به جای ترس و عقب نشینی، به بهترین وجه ممکن به مقابله برمی خیزد. رمان جدید او «۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب» داستانی انسانی درباره اثرات دردناک رفتارهای تعصب آمیز است. از آن هم بهتر، این کتاب به عنوان یکی از فینالیست های جایزه «بوکر» امسال انتخاب شده که امید است فشار بیش تری به دولت ترکیه بیاورد تا از آزار و اذیت این هنرمند شديدا با استعداد دست بردارد.

شروع «۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب» هولناک است. داستان در سال ۱۹۹۰ اتفاق می افتد و قهرمان آن، لیلا، زنی است که در حومه استانبول مورد تجاوز قرار می گیرد: «او حالا با دلهره فهمیده بود که قلبش از تپش باز ایستاده و تنفس اش ناگهان قطع شده، و هر طور که به موقعیت خود نگاه می کرد می دید نمی تواند منکر این شود که مرده است.»

این مقدمه تکان دهنده، یادآور نخستین رمان ریچارد فلاناگان، «مرگ راهنمای رودخانه» است که حدود ۲۵ سال پیش منتشر شد. داستان او در فاصله گیر افتادن یک مرد زیر آب تا غرق شدن او اتفاق می افتد. شافاک البته کار فلاناگان را بهتر انجام داده است. بخش اعظم داستان او طی ۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه پس از مرگ لیلا اتفاق می افتد. در این بازه زمانی اسرار آمیز، لیلا زندگی اش را از زمان تولد تا لحظه ای که در آشغال دانی رها می شود به یاد می آورد.

شافاک با دیدگاه لیلا هم‌دردی می کند اما به آن محدود نمی شود. او خانه اندوه باری را توصیف می کند که در آن مادر آینده لیلا در انتظار بارداری است. در سال ۱۹۴۷ وان، هزار مایل دورتر از استانبول، شهری است که هنوز آکنده از خرافات و تعصبات قدیمی است. نادانی این افراد نسبت به بدن انسان اگر این قدر آسیب زننده نبود، می توانست خنده دار باشد. لیلا از دورانی از فرهنگ می آید که قادر به تشخیص استعداد های یک زن جوان نیست. تلاش های پدر لیلا برای کنترل رفتار نامعقول او تنها به رفتار های غیر قابل تحمل تر از جانب او منجر می شود تا این که سرانجام با دست خالی به استانبول می گریزد.

بخش های ابتدائی رمان تصویری غم انگیز و تاسف بار از نحوه نگرش های غلط اجتماعی را نشان می دهد که جسم و روح یک دختر جوان را خرد می کند. شافاک با بینشی عمیق نشان می دهد که زنان جوان در ترکیه چه طور بین آرمان ها درباره آزادی و افکار تحقیر آمیز گرفتار شده اند. فرار از خانه برای جلوگیری از تجاوز بیش تر، لیلا را ناگزیر در معرض خطراتی قرار می دهد که پدر تصور می کرد دارد او را از آن ها محافظت می کند. نتیجه، انتقادی کوبنده از فرهنگی است که وانمود می کند از ناموس زن مراقبت می کند اما او را با اشتیاقی بی امان دور می اندازد.

با قطعی شدن سرنوشت لیلا در صفحه آغازین، به نظر می رسد که «۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب» هیجان کمی ارائه خواهد داد، اما شافاک با مهارت به دام انداختن لحظاتی است که چشم انداز پیچ در پیچ و نزدیکی از استانبول در اختیار مخاطب قرار می دهد. اگرچه از ابتدا می دانیم که لیلا مرده است، بعد از آن که کاملاً درباره زندگی دشوار او آگاه شدیم و امید پشت امید که سرنوشتش به طریقی تغییر پیدا کند، رمان ما را به مرگ او برمی گرداند.

آن چه بیش از همه شگفت انگیز است، طنز درخشان رمان، حتی در موقعیت هائی است که می تواند از جانب هر کس دیگری نامناسب باشد اما شافاک با ظرافتی می نویسد که کمدی الهی این افراد بیچاره را در بر می گیرد. در نهایت، «۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب» واقعا درباره مرگ نیست، بلکه درباره استمرار عشق است. شافاک بدون آن که تسلط خود را بر تراژدی تجربیات لیلا و بسیاری از زنان مانند او در ترکیه از دست دهد، شجاعت و دل سوزی خود را جشن می گیرد.

الیف شافاک اولین داستانش را در سال ۱۹۹۴ نوشت. اولین رمانش را نیز با عنوان «پنهان»، در هنگام تحصیل در دوره فوق لیسانس (در سال ۱۹۹۷) نوشت که جایزه رومی همان سال را به خود اختصاص داد. این جایزه ادبی به صورت سالانه به بهترین رمان اسرار آمیز در ترکیه اهدا می شود. پس از اتمام دوره دکترای به استانبول آمد و «آینه های شهر» را نوشت (سال ۱۹۹۹). سپس در سال ۲۰۰۰ رمان «محرّم» و در سال ۲۰۰۲ رمان «کاخ بید» (که اولین کتاب پرفروش او در ترکیه بود) را به رشته تحریر در آورد. شافاک در سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ با درجه استادیاری در

دانشگاه میشیگان و بعد در بخش مطالعات خاور نزدیک دانشگاه آریزونا مشغول به کار شد و از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ نیز ستون نویس روزنامه زمان بود.

رمان های شافاک

اولین رمان الیف شافاک با عنوان «پنهان» در سال ۱۹۹۸ منتشر شد که این رمان برنده جایزه ادبی رومی یا همان مولانا شد. (جایزه ادبی رومی هر سال در ترکیه برگزار می شود و به بهترین رمان اسرارآمیز ترکیه جایزه ای اهدا می گردد). رمان دوم او، رمان «آینه های شهر» را با موضوع زندگی یک خانواده اسپانیایی در فضائی تاریخی چاپ و منتشر کرد. یکی دیگر از رمان های الیف شافاک رمان «نگاه» است که هیچ کدام از رمان هایش نتوانست به اندازه این رمان توجه مخاطب را به خود جلب کند. این رمان در سال ۲۰۰۰ میلادی توانست جایزه بهترین رمان از جانب اتحادیه نویسندگان ترکیه را برای او به ارمغان بیاورد. او در رمان هایش به موضوعات و مسائل بسیار متنوع می پردازد که این ویژگی باعث شده تا کتاب های او به لیست پرفروش ترین های بسیاری از کشورها تبدیل بشود.

رمان دوم او، «آینه های شهر»، عرفان یهودی و اسلامی را در یک محیط تاریخی قرن هجدهمی در هم آمیخته است. شافاک رابطه خود با خوانندگان را با رمان «محرم» تحکیم بخشید و نیز جایزه «اتحادیه بهترین نویسندگان ترک» را در سال ۲۰۰۰ به دست آورد. رمان بعدی او، «شپش پالاس» (۲۰۰۲)، نامرد دریافت جایزه بهترین رمان خارجی در سال ۲۰۰۵ شد.

شافاک، در کتاب «آینه های شهر» می نویسد:

دلَم که می گیرد به خودم یادآوری می کنم برای چه به این جا آمده ام. از تکرارش خسته نمی شوم تا سر سوزنی تردید در ذهنم باقی نماند: به شهر آینه ها آمدم چون در داستانی هستم که پیش از من نوشته شده. در شهر آینه ها هستم چون می خواهم بدانم کیستم.

کتاب من و استادم یکی دیگر از رمان های نوشته الیف شافاک است که در سال ۲۰۱۳ چاپ شد. موضوع آن از این قرار است که نویسنده از نگاه یک هندو به نام «جهان»، به فرهنگ عثمانی پرداخته است. «جهان» شاگرد معمار سینان، معروف ترین معمار دوران حکومت عثمانی است. داستان کتاب در زمانی که استانبول مرکز تمدن بود روایت می شود.



«حرامزاده استانبول» رمان دوم او به زبان انگلیسی است که نامزد دریافت «Orange Prize» شد. در این رمان، شافاک به نسل کثی ارمنی‌ها اشاره می‌کند که اساساً این ماجرا توسط دولت ترکیه انکار می‌شود. «شافاک» برای بحث در مورد نسل کثی ارمنی‌ها در رمان (ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی) به جرم توهین به ترکیه متهم شد که در صورت اثبات جرم، او باید حداکثر سه سال زندانی می‌شد.

بر اساس گزارش «گاردین»، کتاب «حرامزاده استانبول» شاید نخستین رمان ترکی باشد که به طور مستقیم به قتل عام، جنایت و تبعید ارمنی‌های تحت حکومت عثمانی می‌پردازد.

رمان «چهل قانون عشق» که در فارسی به نام «ملت عشق» ترجمه شده، درباره ماجرای پر شور «مولانا» و «شمس تبریزی» است. این رمان بیش از هفتصد و پنجاه هزار نسخه در ترکیه فروخت و در فرانسه جایزه «Mention Spéciale Littérature Etrangère» را به دست آورد. هم‌چنین، این رمان نامزد دریافت جایزه «International Award IMPAC Dublin Literary» در سال ۲۰۱۲ بود.

رمان بعدی او به نام «افتخار» یک داستان تأثیرگذار درباره خانواده، عشق، آزادی، رستگاری است. رمان «افتخار» نیز نامزد دریافت جایزه «Man Asian Literary Prize and Women's Prize for Fiction» در سال ۲۰۱۳ بود.

الیف شافاک که در سال ۲۰۱۰ «نشان شوالیه هنر و ادبیات» فرانسه را به خود اختصاص داده، همواره در لیست جوایز سر تا سر جهان، چشم‌ها را به خود خیره کرده است. او علاوه بر نوشتن، سخنگویی تواناست و سخنرانی‌هایش در چند سال اخیر با استقبال بی‌نظیر مخاطبین روبه‌رو شده‌اند.

رمان «شاگرد معمار» درباره «میمار سینان»، معروف‌ترین معمار دوره عثمانی است. این رمان آن قدر با مهارت نوشته شده که به صدای مردم و مناظر دوران امپراتوری عثمانی جان تازه بخشیده است. رمان «شاگرد معمار» داستان جادویی و شگفت‌انگیز یک پسر و فیل بازیگوشش است که به دنبال یافتن جایگاه حقیقی خود در جهانی پر از شگفتی و خطر است.

داستان رمان «سه دختر حوا» (۲۰۱۷) در استانبول و آکسفورد و از دهه ۱۹۸۰ تا زمان حال جریان دارد. یک داستان مهیج و پیچیده است درباره ایمان، دوستی، سنت و مدرنیته، عشق و خیانت غیرمنتظره.

«صادق خان» از «فایننشال تایمز»، این کتاب را ستود و آن را کتاب مورد علاقه سال خود خواند: «این یک رمان واقعاً مدرن است. داستانی در مورد آزادی بیان و سرکوب سیاسی و تأثیرشان بر شکل‌گیری شخصیت و نیز بررسی روابط شخصی و فردی.»

«سیری هاستوت» معتقد است که رمان‌های موضوعی و جذاب «الیف شافاک» به بررسی ابهامات و مشکلات زندگی غیرهدفمند و به نوعی سردرگمی می‌پردازد. شخصیت اصلی این کتاب، «پری»، بین مادر و پدرش، بین عشق و نفرتش نسبت به یک استاد مغرور، بین دو مسأله دین و سکولاریسم گیر افتاده است، رمان «سه دختر حوا» درباره مسائل و موضوعات عجیب و غریب و واقعی شرق و غرب، ظلم و آزادی، و مسأله راستی و ناراستی است که مدام باعث عذاب، جدائی و غافل‌گیری ما می‌شود.»

شافاک در مورد کتاب «شیر سیاه»، چنین اظهار نظر کرده است: «نام کتاب را به دو دلیل «شیر سیاه» گذاشتم: نخست، به خاطر پرداختن به افسردگی پس از زایمان و این که جامعه بداند شیر مادر همیشه آن طور که فکر می‌کنند، سفید نیست؛ دوم، این افسردگی الهام بخش من برای نوشتن کتابم شد، به عبارتی از آن شیر سیاه، نوعی جوهر

قلم ساختم!». در مصاحبه ای با «ویلیام اسکیدلسکی» از «گاردین»، شافاک گفت: «در ترکیه مردان می نویسند و زنان می خوانند، می خواهم شاهد تغییر این موضوع باشم.»

او راجع به انتخاب عنوان کتاب گفته است: «به دو دلیل نام کتاب را شیر سیاه گذاشتم. اول این که بر افسردگی پس از زایمان دلالت دارد و نشان می دهد که شیر مادر همیشه آن گونه که جامعه دوست دارد بیندازد سفید و صاف نیست. دوم این که فراتر از آن افسردگی، من توانستم الهام بگیرم. فراتر از آن شیر سیاه، من توانستم به جوهرها نوعی دیگر اضافه کنم.»

یکی از آثار الیف شافاک رمانی است که با عنوان «پدر و حرامزاده» در نسخه ترکی و در زبان انگلیسی با عنوان «حرامزاده استانبول» منتشر شده است. الیف شافاک در این رمان به موضوع روابط بین ترک ها و ارمنی ها اشاره می کند. او در کتابش به کشتن ارمنی ها در ترکیه اشاره کرده بود و همین موضوع باعث می شود که حکومت ترکیه او را به جرم «خیانت به هویت ترکی و جمهوری ترکیه» متهم و بازداشت کند. اما به دلیل کافی نبودن مدارک و دلایل الیف شافاک تبرئه شد.

الیف شافاک سه سال بعد از انتشار کتاب «شیر سیاه» را در سال ۲۰۱۱ منتشر کرد که تلفیقی از داستان و واقعیت است. این اثر درباره مدت زمانی است که این نویسنده در استانبول زندگی می کرده است. در همین سال، این نویسنده کتاب «مادرم دو بار مرد» را هم منتشر کرد که چندین افتخار برای «الیف شافاک» به ارمغان آورد. این رمان نامزد «جایزه ادبیات آسیا در سال ۲۰۱۲»، برنده «داستان زنان ۲۰۱۳» و نامزد «جایزه بین المللی ام پی ای سی دوبلین ۲۰۱۳» شد. این اثر با نام «اسکندر» هم به فارسی ترجمه شده است زیرا یکی از شخصیت های اصلی این داستان «اسکندر» است.

کتاب «سه دختر حوا» از جدیدترین آثار این نویسنده است که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد. این کتاب همانند سایر آثار این نویسنده تناقضات زندگی غرب و شرق را در میان داستان زندگی سه دختر نشان می دهد.

«الیف شافاک» در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ جایزه بهترین داستان خارجی را از بریتانیا دریافت کرد و سال ۲۰۰۹ موفق به دریافت جایزه بنیاد نویسندگان و روزنامه نگاران ترکیه شد.

کتاب «خوشحالی این موبلونها» اثری متفاوت از این نویسنده است که طی آن چرائی شادمانی موبلونها و چشم رنگی ها بررسی شده است و «الیف شافاک» هویت و اصالت غرب و شرق را تحلیل می کند.

محبوب ترین اثر شافاک، یعنی کتاب «ملت عشق» است. در این کتاب، ۴۰ قاعده با ما در میان گذاشته می شود که قواعدی نه فقط برای عشق، بلکه برای رستگاری هستند. این کتاب در پنج بخش با معرفی پنج عنصر حیات (خاک، آب، باد، آتش و خلأ) روایت شده است.

«ملت عشق» پرفروش ترین کتاب تمام دوران ها در ترکیه است که ده ها بار در ترکیه به تجدید چاپ رسیده است. کتابی که توسط الیف شافاک، یکی از معروف ترین نویسندگان ترک در سراسر جهان نوشته شده و با به دست آوردن جوایز زیاد برای نویسنده اش، موجب شهره جهانی این کتاب شده است. «ملت عشق» پس از ترجمه و چاپ در ایران نیز به سرعت به یکی از پرفروش ترین کتاب های بازار کتاب ایران تبدیل شد.

اما داستان این کتاب پرفروش چیست؟ «ملت عشق» داستان عشق و رهائی است. روایت گر زندگی یک نواخت زنی در غرب که درگیر اندیشه های عرفانی شرق می شود. «اللا روبینشتاین» چهل ساله، در بیست سال زندگی زناشویی اش هیچ چیز جز زندگی روزمره را تجربه نکرده است. تنها دلیل و عاملی که سمت و سوی زندگی اش را تعیین می کند خانه و آسایش خانواده اش است. تا این که بعد از بیست سال زندگی مشترک یک روز صبح تصمیم می گیرد خود را از

بند این زندگی آزاد کند و سفری بی بازگشت را آغاز کند. شاید عشق تنها دلیلی است که الا را از زندگی آرام و تکراری اش جدا کرده و در مسیری پر تلاطم قرار می دهد.

نویسنده در این کتاب دو داستان موازی و گویا را روایت می کند که هر دو در نقطه ای کانونی به نام عشق به هم می رسند. یکی از این داستان ها در حال حاضر اتفاق می افتد و دیگری در قرن سیزدهم. یکی داستان مولانا است که با معلم معنوی خود، درویش رقصانی به نام شمس تبریزی مواجه می شود و دیگری درباره الا روبینشتاین.

این کتاب در زبان انگلیسی با عنوان «چهل قانون عشق» و در زبان ترکی با نام «عشق» به شهرت رسید، به عنوان پر فروش ترین کتاب تمامی دوران ترکیه شناخته می شود. این کتاب در ایران توسط ارسالان فصیحی با عنوان «ملت عشق» توسط انتشارات ققنوس چاپ و منتشر شده است.

بخش اول کتاب «خاک» نامیده شده است: پدیده های عمیق، آرام و جامد زندگی

شافاک می خواست به مفهوم عشق، از نقطه نظری معنوی بپردازد و به همین دلیل، به سراغ رابطه شمس و مولانا رفت. به نظر وی، مولانا صدای عشق است. او که همواره از شعر و فلسفه ی مولانا الهام می گرفته، می گوید:

«مولانا ورای قرن ها و زمان ها با من سخن می گوید. وقتی شروع به خواندن مولانا می کنی، پا در سفری بی انتها می گذاری.»

شافاک در کتاب «ملت عشق»، از شخصیت های گوناگون و زوایای دید مختلف برای روایت استفاده کرده است. چرا که به نظر شافاک، حقیقت داستان گوئی، بیش از آن که چیزی ثابت باشد، سیال است و در ادبیات، برخلاف سیاست های روزمره، آن چه اهمیت دارد، ابهامات، تکثر و انعطاف پذیری است. نوع روایت «ملت عشق» با دیدگاه های تصوف نیز هماهنگی دارد. چرا که هنرمندان در دنیائی سیال زندگی می کنند و معتقدند انسان هیچ گاه نباید از خودش مطمئن باشد و زیبایی ها را در تنوع آن می بینند.

بخش دوم کتاب «آب» نام دارد: پدیده های سیال، جاری و متغیر زندگی

شافاک می گوید نوشتن رمانی با شخصیت های تاریخی در ابتدا، ترسناک به نظر می رسد. به همین دلیل، به منظور به دست آوردن حقایق تاریخی برای نوشتن «ملت عشق»، دست به تحقیقات گسترده ای زده است. او از دهه بیست زندگی اش بر روی این موضوع کار می کرده و حتی رساله کارشناسی ارشدش را به آن اختصاص داده است. بنابراین، با پیشینه ای غنی به سراغ نوشتن این رمان می رود. اما پس از مدتی، مطالعات و پژوهش های خود را متوقف می کند و تمرکزش را روی داستان م گذارد.

الیف در این باره می گوید:

به شخصیت ها اجازه دادم راهنمایم باشند. تجربه به من ثابت کرده که ما نویسنده ها هر چه بیش تر شخصیت ها را کنترل کنیم، آن ها را تصنعی تر می کنیم. بنابراین هر چه منیّت نویسنده در فرآیند نوشتن کم تر باشد، شخصیت ها زنده تر و داستان، خلاقانه تر می شود.

بخش سوم کتاب «باد» نام گرفته است: پدیده های ترک کننده و کوچنده ی زندگی

الیف شافاک می گوید نوشتن این رمان بیش از آن چه قابل توضیح باشد، او را تغییر داده است. او می گوید:

برخی کتاب ها علاوه بر این که باعث دگرگونی مخاطبین می شوند، نویسندگانشان را نیز تغییر می دهند. «ملت عشق» برای من این گونه بود. وقتی آن را تمام کردم، همان کسی نبودم که آن را شروع کرده بود.

بخش چهارم کتاب «آتش» نامیده شده است: پدیده های سوزاننده، ویران کننده و نابودکننده زندگی

شافاک با این رمان، صدای مولانا را بیش از پیش به گوش دنیای غرب رساند. او باور دارد مولانا با زبانی سخن می‌گوید که می‌تواند هر کسی را صرف نظر از طبقه اجتماعی، رنگ پوست، دین، زبان و فرهنگ به خود جلب کند. زبان مولانا، زبانی جهانی است که همه ما را به هم متصل می‌داند. هیچ کس از دایره عشق خارج نیست:

ملت عشق از همه دین‌ها جداست

عاشقان را ملت و مذهب خداست

بخش پنجم کتاب «خلأ» نام دارد: پدیده‌هایی که نبودنشان بر ما تأثیر می‌گذارد. نه، بودنشان. آثار غیرداستانی الیف شافاک شامل مقالاتی در حوزه‌های مختلف است. از جمله تعلق فرهنگی، هویت، جنسیت، سیاست زندگی روزمره، ادبیات چندفرهنگی، و هنر همزیستی. این مقالات در قالب مجموعه‌هایی به چاپ رسیده است: جزر و مد (۲۰۰۵)، فرارپرست (۲۰۱۰)، شمس پاره (۲۰۱۲)، و تو تنهایی (۲۰۱۷).

افسردگی

الیف شافاک پس از به دنیا آمدن اولین فرزندش، دچار افسردگی پس از زایمان شد. او در این باره می‌گوید: وقتی به هر دلیلی آشفتگی را تجربه می‌کنیم، مجبور می‌شویم به درون مان نگاه کنیم تا ببینیم چه مشکلاتی داریم. وقتی همه چیز رو به راه است و در حال انجام وظایف مان، یکی پس از دیگری هستیم، دلیلی ندارد که توقف کنیم و به درون مان برویم. افسردگی، تجربه‌ای تکان‌دهنده است. انگار تمام قطعات وجودی مان از هم می‌پاشد. ولی فرصتی را فراهم می‌کند که بتوانیم خود جدیدی بسازیم که شاید بهتر از خود قبلی مان باشد. شافاک اثبات می‌کند که چگونه یک نویسنده توانا می‌تواند از دردناک‌ترین حوادث زندگی اش برای خلق یک اثر بهره بگیرد. او در کتاب «بعد از عشق» درباره تجربه افسردگی پس از زایمان و بحران روحی خود نوشته است. او باور دارد که باید با افسردگی مانند دوستی آزمودنش رفتار کرد که هر زمان دلش می‌خواهد، می‌آید و می‌رود. الیف شافاک، نویسنده‌ای منحصراً به فرد است. به نظر او، تنها راه آموختن نوشتن از طریق خود نوشتن است. او به نویسندگان نوپا توصیه می‌کند که زیاد کتاب بخوانند؛ کتابی را بنویسند که خودشان دوست دارند بخوانند؛ از افسردگی نترسند؛ مخاطب، منتقدین و دنیای بیرون را فراموش کنند و در آخر، همه‌ی توصیه‌های او را نادیده بگیرند! چرا که هیچ قانونی برای نوشتن وجود ندارد و این، زیبایی آن است.

زندگی نامه الیف شافاک از زبان خودش!

الیف شافاک در سخنرانی در برنامه «تد» (TED)، زندگی نامه اش را این طور تعریف می‌کند که: یک سال پس از تولدم، پدر و مادرم از هم جدا شدند و من به همراه مادرم از استراسبورگ فرانسه، به استانبول رفتیم و من در خانه مادربزرگم زندگی کردیم. این زندگی جدید باعث شد افکار و عقاید شکل بگیرند. من شاهد تفکرات مادربزرگم به عنوان یک فرد بی‌سواد، مذهبی و خرافاتی بودم که سرش به مهره و فال قهوه گرم بود، از آن طرف با مادرم رو به رو می‌شدم که فردی به روز و تحصیل کرده است و از طرف دیگر زندگی در شهری مانند ترکیه، شهری اسلامی، با جوی مرد سالارانه که بر آن حاکم است توانسته شخصیت من را شکل بدهد. مادرم به عنوان دیپلمات در ترکیه مشغول به کار بود و من به واسطه شغل مادرم دوران مدرسه را در مادرید و عمان، و سال‌های نوجوانی ام را در امریکا و انگلیس گذراندم و همین موضوع کمک کرد تا من ارتباط بیش تری با شهرهای بزرگ برقرار کنم زبان اسپانیایی را به عنوان زبان دومم انتخاب کنم.

الیف شافاک در همین راستا، در بخشی دیگر از گفتگوی خود می گوید علاوه بر نقل مکان فیزیکی و تجربه اندوزی در خصوص افکار و عقاید مردم کشورهای مختلف، سفر در زبان و فرهنگ کشورها، به من کمک کرده تا داستان های را به شکلی خلق کنم که مورد قبول فرهنگ های مختلف بشود.

در تمامی آثار الیف شافاک می توانیم تاثیر زندگی در کلان شهرها، مخصوصا ترکیه را ببینیم. استانبول از نظر الیف شافاک مثل زن مسنی است که قلبش جوان است و تشنه و گرسنه قصه ها و داستان های تازه و جدید است. او در این مورد گفته است: استانبول شاید نه به شکلی روشنفکرانه اما به طریقی شهودی به انسان می فهماند که شرق و غرب در نهایت مفاهیمی خیالی اند و می توان از آن ها وهم زدائی یا آن را باز آفرینی کرد. شرق و غرب آب و روغن نیستند. آن ها می توانند مخلوط شوند و این اتفاق در شهری مثل استانبول به شکلی شگفت، شدید و مدام می افتد.

او در قطعه ای که برای بی.بی.سی نوشت:

«استانبول مثل یک ماتروشکای رنگارنگ بزرگ است، بازش که می کنی عروسک دیگری در آن می یابی. تو بازش می کنی فقط برای یافتن عروسک دیگری در آن. استانبول سالنی از آینه هاست. جایی که هیچ چیز همانی نیست که به نظر می رسد. هنگام سخن گفتن از استانبول باید هوشیار بود. اگر یک چیز باشد که این شهر دوست نداشته باشد، آن کلیشه است.»

الیف شافاک در یکی از سخنرانی های TED با عنوان «سیاست های داستانی» «درباره ی قدرت شکل دایره می گوید:

مادر بزرگم برای پیش بینی آینده، از فال قهوه استفاده می کرد و سرب آب شده را به شکل های مختلفی در می آورد تا چشم بد را دور کند. افراد زیادی برای درمان پیش او می آمدند که مشکلات پوستی مثل جوش و زگیل داشتند. هر بار مادر بزرگ، دعاهایی را به عربی می خواند و بر روی یک سیب سرخ، درست به تعداد زگیل ها، خارهایی می زد. سپس یکی یکی، دور خارها با جوهر سیاه دایره می کشید و با این شیوه می خواست زگیل ها را از بین ببرد. ممکن است عجیب به نظر تان برسد ولی از میان بیمارانی که برای معاینه باز می گشتند، کسی را ندیدم که ناراضی باشد یا درمان نشده باشد. وقتی از مادر بزرگ پرسیدم چطور این کار را می کند و آیا بهبود بیماران از قدرت دعاست؟ او در جواب گفت: «بله، دعا تاثیرگذار است ولی خواست به قدرت دایره ها هم باشد.»

درس ارزشمندی که از مادر بزرگم یاد گرفتم این بود که برای نابود کردن هر چیزی، چه جوش، چه لکه، چه روح انسان، کافی است آن را در حصار دایره ای اسیر کنیم. اگر هیچ ارتباطی با دنیاها و دیگری و رای دنیای امنی که برگزیدیم نداشته باشیم، در معرض خطر خشک شدن از درون قرار می گیریم. اگر بیش از حد درون پيله فرهنگی مان بمانیم، ممکن است انسانیت مان پژمرده شود.»

چه طور شد که من نویسنده شدم؟!

الیف شافاک در سخنرانی ای که در برنامه TED داشته قصه ای را تعریف می کند که شاید بتوان آن را شروعی برای نویسندگی او دانست. او تعریف می کند که: به اعتقاد من، هنر داستان گوئی، یکی از راه هایی است که ما را فراتر از مناطق ممنوعه می برد. داستان ها توانائی از بین بردن موانع را ندارند اما می توانند در دایره های ذهنی ما، روزه های ایجاد کنند تا ما بتوانیم از طریق این روزه ها نگاهی اجمالی به دیگران بیندازیم و گاهی حتی از چیزی خوش مان بیاید.

وقتی هشت ساله بودم، داستان نویسی را شروع کردم. یک روز مادرم با یک دفتر فیروزه ای وارد خانه شد و از من پرسید که دوست دارم دفتر خاطرات داشته باشم؟ وقتی به گذشته برمی گردم، فکر می کنم مادرم کمی نگران سلامت عقلم بود چون من به طور مداوم در خانه داستان سر هم می کردم. البته این نکته به خودی خود کار نگران کننده و نامعقولی محسوب نمی شد و موضوع نگران کننده این بود که من این داستان ها را برای دوستان خیالی ام تعریف می کردم و این موضوع اتفاق جالبی به نظر نمی رسید.

من بچه ای درون گرا بودم که با مداد رنگی هایم ارتباط برقرار می کردم و وقتی با اشیای دور و بر خودم برخورد می کردم از آن ها معذرت خواهی می کردم. با توجه به این اتفاقات مادرم با خودش فکر کرده بود که ممکن است این کار من را به نوشتن تجربیات و احساسات روزمره ام وادار کند. چیزی که مادرم از آن اطلاعی نداشت این موضوع بود که زندگی من، از نظر خودم خیلی کسل کننده بود و نوشتن درباره خودم آخرین کاری که دلم می خواست انجام بدهم. به جای این کار در مورد افرادی به غیر از خودم و چیزهایی که در واقعیت هرگز اتفاق نیفتاده بود شروع به نوشتن کردم. به این ترتیب اشتیاق دائمی من برای داستان نویسی شروع شد و از همان ابتدا داستان نویسی برای من کم تر حکم شرح حال نویسی را داشت و بیش تر سفر معنوی به زندگی دیگران بود.



سخنرانی الیف شافاک (شفق) در مراسم اهدای جایزه گلد اسمیت

الیف شافاک، در مراسم اهدای جایزه گلد اسمیت که دسامبر ۲۰۱۸ که خود یکی از داوران آن بود درباره اهمیت رمان در عصر خشونت سخنرانی کرد. وی ضمن تشریح موقعیت انسان در جهان کنونی و نقش رمان در آن گفت: نویسندگان دیگر نمی توانند در دنیایی که ترس و تفرقه در آن حکم فرماست، ژست غیرسیاسی بودن بگیرند. بخش هایی از این سخنرانی:

«اگر جهان در حال دگرگونی است بنابراین جهان ادبیات نیز نیاز به تغییر دارد. نویسندگان از کشورهایی با دموکراسی های آسیب پذیر مانند ترکیه، پاکستان، مصر و ونزوئلا هرگز نمی توانند ژست غیرسیاسی بودن بگیرند. اما مسأله جالبی که اتفاق می افتد این است که نویسندگان غربی روز به روز بیش تر آن ضرورتی را احساس می کنند که مدت ها قبل نویسندگان غیر غربی دریافته بودند. دوریس لسنینگ ادبیات را تحلیل بعد از واقعه خوانده است.

نویسندگان به زمان نیاز دارند تا بتوانند اطلاعات را پردازش کنند، هضم کنند و درباره اش بنویسند؛ اما شاید امروز چنین فوریت و اضطراری وجود دارد که نویسندگان بیش تری از سراسر جهان در طی حادثه پاسخ دهند.»

این نویسنده در ادامه سخنرانی خود در دانشگاه گلد اسمیت، افزود «من پیشنهاد نمی کنم که هر نویسنده ای باید سیاسی یا حزبی باشد و یا حتی به سیاست های حزب علاقه مند باشد. من از سیاست در گسترده ترین حالت ممکن آن حرف می زنم. به عنوان یک فمینیست می دانم که جسم و بدن سیاسی است. و هر جا قدرت و نابرابری است سیاست نیز وجود دارد. رمان نویسان باید درباره از دست دادن ارزش های اصلی مانند تعدد، آزادی بیان، حقوق اقلیت ها جدائی قدرت دموکراسی حرف بزنند. بنیامین اعتقاد داشت که داستان گویی باید اطلاعات را به خرد تبدیل کند. امروز اما چالش بزرگ تری پیش روی نویسندگان قرار دارد که چه طور اطلاعات نادرست را به خرد و دانائی تبدیل کنند.»

او گفت «من از سرزمینی می آیم که کلمات وزن دارند. هر نویسنده، شاعر یا روشن فکر اهل ترکیه می داند که به خاطر یک شعر، رمان، مصاحبه یا حتی یک تئوئیت می تواند در مظان تهمت قرار بگیرد و به دادگاه هم احضار شود و در نهایت تبعید و یا زندانی شوند. با بیش از ۱۲۰ روزنامه نگار که بعد از کودتای ناموفق علیه اردو خان هنوز در زندان به سر می برند ترکیه تبدیل به بزرگترین ندامتگاه روزنامه نگاران شده است.»

شافاک گفت: «ما این دانش را ورای ذهن مان حمل می کنیم. زمانی که پشت میز می نشینیم تا داستان هایمان را بنویسیم. در نتیجه، یک خودسانسوری گسترده در بین نویسندگان وجود دارد. این همان چیزی است که فقدان دموکراسی و آزادی بیان آن را موجب می شود و یک فضای ترس و تهدید به وجود می آورد. همان طور که آرتور کوسترل گفت که اقتدارگرایی نه تنها سیاست مداران و نخبگان سیاسی را به انحراف می کشاند، بلکه عمیقاً به جامعه مدنی و به سازمان هائی که برای حیات دموکراسی وجودشان لازم است نیز ضربه می زند. اقتدارگرایی هم چنین به حافظه جمعی نیز آسیب می زند. ترکیه کشور فراموشی دسته جمعی است و حافظه در نهایت برای ما نویسندگان مسؤولیت می آورد. در جهانی که با عوام فریبی های پوپولیستی و اطلاعات نادرست احاطه شده، حافظه، مسؤولیت ما نویسندگان است. ما نمی توانیم فراموش کنیم که چه اتفاقی در گذشته افتاد زمانی که قبیله گرائی، ملی گرائی، عزلت گرائی، تعصب و وطن پرستی افراطی کنترل انسانیت را در دست گرفتند.» و...

محرمانه ترین کتابخانه جهان

محرمانه ترین کتابخانه جهان حاوی کتاب هائی است که فقط نویسندگانشان از متن آن ها آگاهند و تا یک قرن دیگر هیچ کسی به این کتاب ها دسترسی نخواهد داشت.



مارگارت اتوود نویسنده سرشناس کانادائی، دیوید میچل از انگلیس و سیون شاعر و نویسنده ایسلندی هنرمندان دیگری هستند که پیش از این به این پروژه پیوسته اند.

پروژه «کتابخانه آینده» از سال ۲۰۱۴ با ابتکار کیتی پترسون هنرمند اسکاتلندی آغاز به کار کرد. در این پروژه نویسنده کتابی را به کتابخانه آینده اهدا می کند که فقط خودش متن آن را خوانده است و این کتاب تا زمان انتشار در سال ۲۱۱۴ در این کتابخانه محرمانه نگه داری خواهد شد.

در این پروژه، حتی برای تامین کاغذ انتشار کتاب ها هم برنامه ریزی شده است و در سال ۲۰۱۴ در اطراف اسلو پایتخت نروژ ۱۰۰۰ درخت کاج کاشته شد تا یک قرن بعد با قطع آن ها از چوب شان برای تامین کاغذ مورد نیاز استفاده شود.

الیف شافاک نویسنده سرشناس اهل ترکیه نیز برای این پروژه انتخاب شد.

هان کانگ نویسنده سرشناس کره ای هم به پروژه ای پیوسته است. هان کانگ نویسنده برنده بوکر کتاب «گیاهخوار» پنجمین نویسنده ای است که به این پروژه با عنوان «کتابخانه آینده» پیوسته است.

کتاب های ترجمه شده به فارسی

الیف ۱۶ کتاب به زبان های ترکی و انگلیسی منتشر کرده است که ۱۰ تا از آن ها رمان هستند. از پرفروش ترین کتاب های وی، می توان به «حرامزاده استانبول»، «چهل قانون عشق» و جدیدترین آن به نام «سه دختر حوا» اشاره کرد. کتاب های او به ۴۹ زبان دنیا و از جمله زبان فارسی ترجمه شده است که برخی از آن ها عبارتند از: «آینه های شهر» و «شپش پالاس» با ترجمه «تهمینه زاردشت»، «ملت عشق» با ترجمه «ارسلان فصیحی»، «شرافت» با ترجمه «شهناز ایلدرمی»، رمان های «من و استادم»، «محرّم»، «اسکندر»، «سه دختر حوا» و کتاب «شمس پاره» با ترجمه «صابر حسینی».

در جمع بندی، می توان تاکید کرد که نثر پر قدرت و جذاب «شافاک»، که در سراسر رمان هایش با واژه ها و عبارات ترکی آمیخته است، به گونه ای به شخصیت هایش جان می دهد که خوانندگان احساس می کنند، خود در حال ایفای چنین نقش هایی در زندگی هستند.

«ساندی تایمز» درباره آثار «شافاک» چنین می نویسد: «شافاک به شدت تلاش می کند تا تمام مرزهای نژادی، ملیت، فرهنگ، جنسیت، جغرافیا را کنار بزند و یک دیدگاه عرفانی نسبت به پیرامون خود اتخاذ کند.» «ایرلند تایمز» او را «جذاب ترین رمان نویس ترک در سال های اخیر نزد خوانندگان غربی نامید.» «نیویورک تایمز» نیز در وصف او چنین نوشت: «او یک نابغه است که به کوچه پس کوچه های استانبول سرک می کشد و به توصیف فرهنگ و تاریخ امپراتوری عثمانی می پردازد که هنوز نیز بخشی از شجره نامه هر خانواده ترک است!»

«الیف شافاک» علاوه بر نوشتن داستان، ترانه هم سروده است و به عنوان خبرنگار در روزنامه های مختلف از جمله گاردین و نیویورک تایمز هم فعالیت داشته است. او بازگوکننده مشکلات زنان است و براین باور است که زنان از جمله آسیب پذیرترین گروه های جامعه هستند.

الیف شافاک معتقد است انسانی درون گرا است. در نوشته ها و سخنرانی هایش ناگهان از اهمیت خیلی چیزها صحبت می کند. از نظر زبان شناسی، جغرافیائی، و خلاقیت چندگانگی شخصیت خود را پذیرفته است و علیه قبیله گرایی و خطرات پبله های فرهنگی سخنرانی می کند. شافاک متفکری سیاسی، روشنفکری اجتماعی و هم چنین نویسنده ای پرکار است و از تغییر زبانی در آثارش لذت می برد و قصه هایش در سراسر دنیا رخ می دهند.

از نظر شافاک «دموکراسی فقط در برکه رای خلاصه نمی شود بلکه قانون اساسی، وجود رسانه های آزاد، دانشگاه های مستقل و البته حقوق زنان بخش اصلی یک قدرت دموکراتیک را تشکیل می دهند: «همه مکتب های افراطی یک نقطه اشتراک دارند: نگاهی غیرانسانی به دیگران دارند و هنگامی چنین اتفاقی رخ دهد و انسان های دیگر را به عنوان هم تراز خود نپذیریم بذر نژادپرستی، جنسیت گرایی، و تبعیض به شکل های مختلف کاشته می شود.

به همین دلیل درک دیگران و داستان هایشان برای من از اهمیت زیادی برخوردار است. قصه گویان باید یاد بگیرند که روحی انسانی به قصه دیگران ببخشند. دنیائی که در آن زندگی می کنیم بر اساس دوگانگی و تبعیض بنا شده است و فرهنگ به ابزاری جنگی تبدیل شده است اما باید بدانیم فرهنگ محلی برای جنگ نیست، بلکه راهی برای ارتباط انسان هاست.»

شافاک معتقد است از سال ۲۰۱۶ وارد مرحله جدیدی از تاریخ شده ایم و نویسندگان غربی هم تلاش می‌کنند از خطراتی که دموکراسی را تهدید می‌کند بنویسند: «به نظر من یک نویسنده باید از سیاست و قدرت سر دربیورد. این شعار قدیمی درست است که شاید شما به سیاست علاقه مند نباشید اما سیاست به شما علاقه مند است.»

الیف شافاک نه تنها در میان شهروندان ترکیه به عنوان نویسنده مطرح است، بلکه تا حدودی در سطح بین‌المللی نیز چهره‌ای مطرح و آشناست.

«الیف شافاک»، رمان «حرام زاده استانبول» را در سال ۲۰۰۶ نوشت و برای آن متهم به اهانت علیه کشور ترکیه شد؛ زیرا این نویسنده در این کتاب به نسل‌کشی ارمنه اشاره می‌کند. «الیف شافاک» برای این کتاب در سال ۲۰۰۸ موفق به دریافت «جایزه‌ی ادبیات داستانی زنان» از سوی بریتانیا شد.

«ملت عشق» یکی از معروف‌ترین آثار این نویسنده است که پس از انتشار آن به اوج شهرت و محبوبیتش میان خوانندگان ایرانی رسید. این کتاب در سال ۲۰۱۰ به دو زبان ترکی و انگلیسی منتشر شد و رکورد پرفروش‌ترین کتاب تاریخ ترکیه را از آن خود کرد. «الیف شافاک» در این اثر فضای عرفانی را ترسیم کرده است و در میان آن‌احوالات و زندگی شمس و مولانا را روایت می‌کند. این نویسنده صاحب سبک و عمیق و ژرف در باب معنا برای نوشتن این کتاب نامزد دریافت «جایزه بین‌المللی ام‌پی‌ای سی‌دوبلین» که از گران‌ترین جوایز دنیاست، شد.

«الیف شافاک» پس از این اثر هم کتاب‌های دیگری نوشت که آن‌ها هم پرفروش و افتخارآمیز بوده‌اند. او کتاب «شیر سیاه» را در سال ۲۰۱۱ منتشر کرد که تلفیقی از داستان و واقعیت است. این اثر درباره‌ی مدت زمانی است که این نویسنده در استانبول زندگی می‌کرده است. در همین سال این نویسنده کتاب «مادرم دو بار مرد» را هم منتشر کرد که چندین افتخار برای «الیف شافاک» به ارمغان آورد. این رمان نامزد «جایزه ادبیات آسیا در سال ۲۰۱۲»، برنده «داستان زنان ۲۰۱۳» و نامزد «جایزه‌ی بین‌المللی ام‌پی‌ای سی‌دوبلین ۲۰۱۳» شد. این اثر با نام «اسکندر» هم به فارسی ترجمه شده است زیرا یکی از شخصیت‌های اصلی این داستان «اسکندر» است.

کتاب «سه دختر حوا» از جدیدترین آثار این نویسنده است که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد. این کتاب همانند سایر آثار این نویسنده تناقضات زندگی غرب و شرق را در میان داستان زندگی سه دختر نشان می‌دهد. «الیف شافاک» نویسنده پرافتخاری است که توانست نشان معتبر هنری و ادبی فرانسه را از آن خود کند. او در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ جایزه‌ی بهترین داستان خارجی را از بریتانیا دریافت کرد و سال ۲۰۰۹ موفق به دریافت جایزه بنیاد نویسندگان و روزنامه‌نگاران ترکیه شد.

کتاب «خوشحالی این موبلوندها» اثری متفاوت از این نویسنده است که طی آن چرائی شادمانی موبلوندها و چشم‌رنگی‌ها بررسی شده است و «الیف شافاک» هویت و اصالت غرب و شرق را تحلیل می‌کند. «چهل قانون عشق» هم کتاب دیگری از این نویسنده است که روایت عاشقانه و عارفانه‌ای است که از زبان چند راوی تعریف می‌شود. این داستان با تغییر زاویه دید و هجده نفر روایت‌کننده از جمله «مولانا» و «شمس» خاک، آب، باد و آتش را بررسی می‌کند.

اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران در اطلاعیه‌ای که در آبان‌ماه سال جاری منتشر شده، خطاب به موزعان و کتاب‌فروشان آورده است: طبق اطلاع واصله، کتاب «ناپاک زاده استانبول» (ترکی‌اش: حرام زاده استانبول) نشر «آسیم» و نشر «فرهنگ نشر نو» و کتاب «شرم» نشر «نیمائز» و نشر «مروارید» لغو مجوز شده است، مراتب جهت اطلاع و پیش‌گیری از هرگونه پیگرد احتمالی حاصل از خرید و فروش آن به اطلاع می‌رسد.

کتاب های یادشده ترجمه های متفاوتی از کتاب الیف شافاک هستند؛ «شرم» ترجمه صالح حسینی (مروارید) و «نایاک زاده استانبول» ترجمه فرناز گنجی و محمدباقر اسماعیل پور (آسیم) است.

مسئول روابط عمومی نشر نیماژ می گوید کتاب «شرم» به خود مترجم واگذار شده و در نشر آن ها منتشر نمی شود و ناشر آن مروارید است.

پیش تر نیز اتحادیه ناشران و کتاب فروشان تهران از لغو مجوز نشر و توزیع کتاب «۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب» نوشته الیف شافاک با ترجمه علی سلامی خبر داده بود.

همان طور که می بینیم کتاب های شافاک از فرهنگ ها و سنت های ادبی گوناگون، تاریخ، فلسفه، عرفان و سیاست های فرهنگی می گویند. او که حالا علاوه بر نویسنده بودن، یک فعال سیاسی هم محسوب می شود، مطالبش در روزنامه ها و مجلات بزرگ مانند گاردین، نیویورک تایمز، ایندپندنت و ... منتشر می شود.

الیف درباره زندگی می گوید: برای عوض کردن زندگی مان؛ برای تغییر دادن خودمان هیچ گاه دیر نیست. هر چند سال که داشته باشیم. هرگونه که زندگی کرده باشیم. هر اتفاقی که از سر گذرانده باشیم. باز هم نو شدن ممکن است. حتی اگر یک روزمان درست مثل روز قبلیش باشد. باید افسوس بخوریم. باید در لحظه و در هر نفسی نو شد. برای رسیدن به زندگی نو باید پیش از مرگ مرد!

جمعه بیست و سوم اسفند [حوت] ۱۳۹۸ - سیزدهم مارچ ۲۰۲۰